



پدیده قاچاق

(قسمت سوم)
 حمید چاهوشی
 دادستان نظامی استان کرمانشاه

باتوجه به دلایل ذیل، محکومیت‌های مقرر در قانون مذکور، ماهیت مالی دارند، نه کیفری.

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷ مورخه ۱۳۷۲/۱۰/۱۴ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشعار می‌دارد: «مستفاد از ماده اول قانون مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ و تبصره‌های آن و ماده ۶ قانون مزبور و تبصره مربوطه این است که در عین حال، موضوع قاچاق و پرداخت دو برابر درآمدی که طبق قانون برای دولت مقرر گردیده در مجموع محکوم به مالی را علیه مرتکبین قاچاق تشکیل می‌دهد و نحوه وصول آن که در ماده ۱۰ قانون مجازات مرتکبین قاچاق معین شده، مانند نحوه اجرای سایر محکومیت‌های مالی می‌باشد و شامل تخفیف نمی‌شود؛ لکن مجازات کیفری مرتکبین قاچاق تا دو سال حبس ممکن است مشمول تخفیف و ارفاق و یا معافیت مرتکب گردد. بنابراین رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و

الکلی این سؤال مطرح است که برای فعل واحد دو مجازات قابل اعمال است یا اینکه اعمال مجازات‌های مورد نظر هیچ منع قانونی ندارد. برای اینکه بهتر بتوانیم به سؤال فوق پاسخ بدهیم باید قبل از هر چیز این نکته را بررسی کنیم که مجازات‌های مندرج در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز دارای ماهیت کیفری‌اند یا ماهیت مالی دارند؟

ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مقرر می‌دارد: «اداره مأمور وصول درآمد دولت می‌تواند از مرجع تحقیق یا دادگاه مسبب مورد تقاضای تأمین از اموال متهم معادل جزای نقدی و بهای مال از بین رفته را بنماید

در خرداد ماه سال ۱۳۷۵ قانون تعزیرات (مجازات اسلامی) توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که براساس ماده ۷۰۳، هر کس مشروبات الکلی را از خارج وارد کشور کند مجازاتی برای او در نظر گرفته شده است طبق این ماده: «هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بنوشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد، به سه ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا به یک یا دو مورد از آنها محکوم می‌شود.»

اما آیا اعمال مجازات مندرج در ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی و مجازات مقرر در قانون قاچاق در مورد مشروبات الکلی، اعمال دو نوع مجازات برای یک فعل است؟ در خصوص اعمال مجازات مندرج در ماده ۷۰۳ قانون مرقوم علاوه بر اعمال ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز برای وارد کردن مشروبات

منطبق با موازین قانونی است.

۲ - ذیل ماده ۶ قانون مجازات مرتکبین قاجاق اشعار می‌دارد: «پرداخت جزای نقدی آثار جزایی نداشتی و مشمول مقررات تکرار و تعدد جرم نخواهد بود».

۳ - ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاجاق مقرر می‌دارد: «اداره مأمور وصول درآمد دولت می‌تواند از مرجع تحقیق یا دادگاه حسب مورد تقاضای تأمین از اموال متهم معادل جزای نقدی و بهای مال از بین رفته را بنماید».

بر اساس قوانین و مقررات موجود، افراد در مسائل حقوقی و ضرر و زیان ناشی جرم می‌توانند از دادگاه یا مرجع قضایی رسیدگی کننده، تأمین خواسته و توقیف اموال خوانده یا متهم را تقاضا کنند؛ ولی در خصوص محکومیت به جزای نقدی تقاضای تأمین خواسته و توقیف اموال متهم قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور آن منطبق با موازین قانونی نبوده و نیست. بنابراین، مفاد ماده ۷ قانون مرقوم نیز دلالت بر این نکته دارد که جزای نقدی مقرر در قانون مربوط در خصوص قاجاق، ماهیت مالی دارد، نه کیفری.

۴ - پارگراف سوم از بند «ب» از ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاجاق کالا و ارز مقرر می‌دارد: «در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه در مرحله بند «ب» نباشد، متهم جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه حداکثر ظرف پنج روز از تاریخ کشف به مرجع قضایی ارسال می‌گردد. در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا یا ارز، جریمه متعلقه که به هر حال از دو برابر بهای کالای قاجاق یا ارز کمتر نخواهد بود دریافت می‌گردد».

در مواردی که افراد باعث اتلاف یا از بین رفتن اموال دولت می‌شوند، طبق قانون، به ردعین یا مثل یا قیمت مال تلف شده محکوم می‌شوند و این محکومیت قابل تخفیف نیست و محکومیت جزای نقدی بابت بزه قاجاق طبق مقرر فوق و ذیل رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷ مورخه ۱۳۷۲/۱۰/۱۴ صادره از

هیأت عمومی دیوان عالی کشور که قابل تخفیف نیست دقیقاً مانند محکومیت مورد اشاره است و ماهیت مالی دارد.

۵ - بنابه مفاد اصل ۳۶ قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید فقط از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. وقتی در مرحله اداری کالای قاجاق به همراه دو برابر قیمت کالا به عنوان جریمه اخذ می‌شود اگر آن را مجازات کیفری تلقی نماییم، فی الواقع برخلاف قانون اساسی عمل کرده‌ایم. که این عمل خلاف موازین قضایی است. به ناچار باید پذیرفت که ضبط کالا و اخذ دو برابر قیمت کالا به عنوان جریمه یا عواید دولت صرفاً یک محکومیت مالی است.

۶ - در مورد قاجاق سلاح و مهمات، علاوه بر ضبط سلاح و تعیین مجازات کیفری، وفق قانون مربوطه، اداره شاک می‌تواند بر اساس تبصره ۲ از ماده ۳ قانون تشدید مجازات قاجاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح درخواست اخذ دو برابر قیمت سلاحهای مکشوفه از مرتکب کند. و دادگاه

بر اساس قوانین و مقررات
موجود، افراد در مسائل
حقوقی و ضرر و زیان ناشی
جرم می‌توانند از دادگاه یا
مرجع قضایی رسیدگی
کننده، تأمین خواسته و
توقیف اموال خوانده یا
متهم را تقاضا کنند؛ ولی
در خصوص محکومیت به
جزای نقدی تقاضای تأمین
خواسته و توقیف اموال
متهم قبل از صدور حکم و یا
بعد از صدور آن منطبق با
موازین قانونی نبوده و
نیست

رسیدگی کننده نیز مکلف به صدور حکم مبنی بر محکومیت شخصی مرتکب به ضبط کالا به نفع دولت و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت سلاح می‌باشد.

۷ - بر اساس پاراگراف سوم از بند «ب» از ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاجاق کالا و ارز اگر متهم به ارتکاب قاجاق در مرحله اداری حاضر به پرداخت جزای نقدی نباشد، پرونده ظرف پنج روز از تاریخ کشف به مرجع قضایی ارسال می‌شود. در این صورت، چنانچه دادگاه بزه ارتکابی را محرز بداند، متهم را به پرداخت دو برابر قیمت کالا و ضبط کالا و تا دو سال حبس محکوم می‌نماید.

ملاحظه می‌شود که مفاد بند ۶ و ۷ که در سطور فوق بیان گردید، حکایت از این نکته دارد که متهم به ارتکاب قاجاق، علاوه بر محکومیت به پرداخت جزای نقدی متعلقه، به مجازات حبس نیز محکوم خواهد شد.

باتوجه به مطالب صدرالذکر، اولاً ضبط کالا و اخذ دو برابر قیمت کالا به عنوان جریمه یک محکومیت مالی است، نه محکومیت کیفری. پس شخص مرتکب قاجاق با دو محکومیت کیفری مواجه نیست، بلکه با یک مجازات کیفری و یک محکومیت مالی که عبارت از آرای ضرر و زیان ناشی از جرم محسوب می‌شود، مواجه می‌باشد. ثانیاً محکومیت مالی که به عبارتی ضرر ناشی از قاجاق برای دولت است، قابل تخفیف و ارفاق نمی‌باشد و هنگامی که از محکومیت فوق حتی یک ریال قابل تخفیف نیست، چگونه می‌توان کل آن را نادیده گرفت و از محکومیت متهم نسبت به پرداخت دو برابر قیمت کالا به عنوان عواید دولت امتناع نمود.

وقتی که ضبط کالا و اخذ جریمه متعلقه به عنوان محکومیت مالی است و در مرحله اداری قابل انجام است، در اینجا محکومیت کیفری صدق نخواهد کرد. بنابراین اعمال ماده ۷۰۳ و اعمال ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاجاق کالا و ارز

در مورد قاچاق مشروبات الکلی مانعة الجمع نیست.

علاوه بر این، در مجازات مندرج در ماده ۷۰۳ ممکن است با حصول شرایط مقرر در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، تخفیف و ارفاق مقتضی نسبت به متهم اعمال گردد؛ ولی در مورد ضبط کالا و جریمه متعلقه، چون محکومیت مالی است، هیچ نوع تخفیف و ارفاقی قابل قبول نیست. مضافاً اینکه مجازات مندرج در ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی در مورد قاچاق مشروبات الکلی، زمانی قابل اعمال است که اولاً کالای مورد قاچاق تا سقف ده میلیون ریال ارزش داشته باشد که در این مرحله، صرفاً کالا ضبط می شود و پرونده برای اعمال ماده ۷۰۳ قانون مرقوم به مرجع قضایی ارسال می گردد؛

ثانیاً، اگر متهم در مورد کالایی که بیش از ده میلیون ریال ارزش دارد. در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه متعلقه باشد و آن را بپردازد، باز هم پرونده برای اعمال ماده ۷۰۳ قانون مرقوم به مرجع قضایی ارسال می شود؛ کمالیکه ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۷۹/۳/۲۹ هیأت وزیران) مقرر می دارد:

«در مواردی که بهای کالا یا ارز قاچاق در زمان کشف معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا می کند و عین کالا و ارز مکشوفه را با تنظیم صورت جلسه کشف به اداره مربوط مأمور وصول درآمد دولت تحویل می دهد. بدیهی است در صورتی که اعمال ارتكابی واجد سایر عناوین جزایی باشد سازمان کاشف اقدامات قانونی را اعمال خواهد نمود.»

اگر ارزش کالا بیش از ده میلیون ریال باشد و متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه متعلقه نباشد، پرونده به مرجع قضایی صالح ارسال می گردد و دادگاه براساس پاراگراف سوم از بند «ب» ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و

اگر ارزش کالا بیش از ده میلیون ریال باشد و متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه متعلقه نباشد، پرونده به مرجع قضایی صالح ارسال می گردد و دادگاه براساس پاراگراف سوم از بند «ب» ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز رسید کرده و در صورت احراز بزه قاچاق، متهم را به ضبط کالا و پرداخت دو برابر ارزش کالا به عنوان جریمه و حبس تا دو سال محکوم می کند

ارز رسید کرده و در صورت احراز بزه قاچاق، متهم را به ضبط کالا و پرداخت دو برابر ارزش کالا به عنوان جریمه و حبس تا دو سال محکوم می کند، نظر به اینکه براساس مقرره فوق در این مرحله برای متهم به ارتکاب بزه قاچاق، مجازات حبس نیز مقرر شده بنابراین نیازی به اعمال ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی نیست.

خلاصه مطالبی که ذکر شد بدین قرار است:

اولاً ضبط کالا یا رد بهای مال تلف شده و پرداخت دو برابر ارزش کالا، محکومیتی است که دارای خصوصیات و آثار محکومیت مالی است و عبارت آخرای ضرر و زیان ناشی از جرم است و به سبب خساراتی است که به واسطه این عمل به خزانه دولت وارد آمده است. به علاوه پرداخت آنچه از آن به عنوان جریمه یاد شده، مجازات و تعقیب کیفری به معنای مصطلح نیست.

ثانیاً محکومیت به ضبط کالا و جریمه متعلقه، مانند محکومیت های مالی دیگر، قابل تخفیف و ارفاق و تعلیق نیست.

ثالثاً اعمال ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی که مجازات کیفری است با حکم به

ضبط کالا و پرداخت جریمه متعلقه، مانعة الجمع نیست و با موازین قانونی انطباق دارد.

رباعاً در موارد دیگر، مانند قاچاق سلاح و مهمات که متهم طبق بند ۲ ماده ۱ و ماده ۲ قانون مربوط، به مجازات کیفری محکوم می گردد، علاوه بر این طبق تبصره ۲ ذیل ماده ۳ همان قانون به ضبط سلاح و مهمات و جریمه متعلقه محکوم می شود و مضافاً اینکه در مورد قاچاق کالا و ارز چنانچه ارزش کالا بیش از ده میلیون ریال باشد و متهم در مرحله اداری آن را نپردازد، پرونده به مرجع قضایی ارسال می گردد و متهم، هم به مجازات حبس و هم به ضبط کالا و پرداخت جریمه محکوم می شود، باتوجه به مطالب فوق اعمال دو مجازات برای فعل واحد منتفی است.

ذکر یک نکته در خصوص عدم سوء نیت متهم:

در رابطه با مطلب فوق به رأی وحدت رویه شماره ۱۸/۶۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۱ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور استناد می کنیم که به شرح آن زیر است: «تصمیم متخذة از طرف شورای تأمین استان سیستان و بلوچستان دلالت دارد که ورود کالاهای مصرح در تصمیم مزبور که از جمله شامل مواد غذایی ضروری و غیرتفنی است، جهت رفاه حال مرزنشینان منطقه مجاز اعلام گردیده است و نامه سرپرست گمرک کنارک و اداره کل بازرگانی استان هم مؤید تصمیم مزبور بوده و مخصوصاً در نامه اداره گمرک تصریح شده که ورود مواد غذایی از طرف شورای تأمین استان مجاز اعلام و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی ترخیص می گردد و اجناس مزبور در مقابل گمرک تخلیه و با نظارت مأمورین مرخص گردیده است که چون برطبق مندرجات پرونده ها، اجناس مورد بحث که عبارت از آب پرتقال و آب آناناس، رب گوجه فرنگی باشد به استناد اجازه شورای تأمین استان وارد و مورد معامله واقع شده است ولو اینکه تصمیم مزبور

نقطه در داخل کشور کشف شود، قاچاق است و مرتکبین به اتهام قاچاق کالا تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. هیچ فرقی بین کسی که کالای مزبور را از خارج وارد کشور می‌نماید و کسی که همان کالا را در داخل کشور حمل و نقل می‌کند و مورد خرید و فروش قرار می‌دهد نیست و مجازات همه آنها براساس قانون معین می‌گردد. براساس مواد ۲۶ و ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، ادعای فوق مدلل و مبرهن می‌گردد.

ذیل ماده ۴۵ قانون مرقوم به شرح زیر است:

«... مقصود از قاچاق اشیای ممنوع‌الورود یا ممنوع‌الصدور، وارد کردن اشیای ممنوع‌الورود است به خاک ایران، در هر نقطه از مملکت که اشیای مزبور کشف شود و خارج کردن اشیای ممنوع‌الصدور و یا تسلیم آن به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن و یا هر نوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت.»

رای وحدت رویه شماره ۳۰۶۷ مورخه ۱۳۳۹/۷/۱۳ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مؤید ادعای مورد اشاره در سطور فوق است که مفاد آن به شرح درج می‌گردد.

«قسمت اخیر ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق هر یک از اقدام ذیل (۱) خارج کردن اشیای ممنوع‌الصدور، (۲) تسلیم آن به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن، (۳) هر نوع اقدام دیگری ارتکاب قاچاق اشیای ممنوع‌الصدور دانسته، علی‌هذا با احراز قصد متهم به خارج کردن طلا از مملکت، هرگونه اقدامی که برای عملی کردن آن انجام داده باشد مشمول شق ۳ از موارد سه‌گانه فوق‌الذکر بوده و بزه قاچاق طلا به‌طور کامل انجام یافته تلقی می‌گردد و حکم شعبه دوم دیوان عالی کشور در این مورد که منطبق با موازین قانونی فوق‌الذکر می‌باشد، به‌طور صحیح صادر شده است.»

درموردی که متهم برای وارد یا صادر کردن کالا از مراجعی غیر از اداره گمرک مجوز دریافت کند، هرچند طبق قانون، مجوز صدور و ورود کالا به خارج و به داخل کشور باید از جانب ادارات گمرک صادر شود و مراجع دیگر اختیار صدور چنین مجوزهایی را ندارند، ولی اگر متهم با استفاده از مجوز صادرشده مرقوم اقدام به ورود و صدور کالا به داخل و خارج از کشور کرده باشد، عمل وی به علت فقد سوءنیت فاقد جنبه جزایی است.

مرزی در حین انتقال از خارج به داخل کشور باشد و در دست فرد متخلف و یا در همان محل کشف و توقیف گردد. در غیر این صورت، بنا به اصول تسلیط، مستند به حدیث نبوی (ص) که می‌فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم» کسی نمی‌تواند متعرض مالکیت افراد باشد و ادعای قاچاق بودن اموالی را بنماید که افراد بر آن مسلط هستند و دلیلی دال بر قاچاق بودن آن وجود ندارد.

اما در مورد کالای ممنوع‌الورود و ممنوع‌الصدور و کالای در انحصار دولت این‌گونه نیست. کالاهای فوق‌الذکر در هر

برخلاف مقررات گمرکی باشد، واردکنندگان و دارندگان کالاهای نامبرده را که عمل آنان مبتنی بر اجازه مقامات محلی بوده و بدون سوءنیت انجام شده نمی‌توان به عنوان ارتکاب قاچاق قابل تعقیب و مجازات دانست و لذا رأی شعبه هفتم دیوان عالی کشور که مشعر بر این معنا است منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.»

در این خصوص از اداره حقوقی قوه قضاییه نیز استعلام گردیده که پرسش و پاسخ مربوط عیناً درج می‌شود:

پرسش: در صورتی که کالایی با مجوز فرمانداری شهرستان مرزی از خارج وارد کشور شود، ولی کالا بدون مجوز ورود از سوی سایر مبادی مربوطه گمرکی باشد، آیا باز هم می‌توان حامل و یا مالک آن را به عنوان متهم به قاچاق تعقیب نمود یا خیر؟

پاسخ: به شماره ق ۱۴۰/۷۳/۲۸۲۲۳/۱ مورخ ۱۳۷۴/۳/۲۰ هرچند مجوز صادره از جانب فرمانداری مطابق موازین قانونی از جمله مقررات امور گمرکی به نظر نمی‌رسد، لکن اگر صدور مجوز از جانب فرمانداری برای کالای مضبوط احراز شود، این امر موجب سلب عنصر معنوی (سوءنیت) از طرف متهم خواهد بود و نتیجتاً عمل فاقد وصف مجرمانه است.»

تفاوت قاچاق کالای مجاز مشروط و کالای غیرمجاز و در انحصار دولت در رابطه با اعمال مجازات کالای مجاز مشروط را می‌توان با رعایت ضوابط و مقررات مربوط و پرداخت سود بازرگانی و حقوق گمرکی به داخل کشور وارد نمود. اگر کالای مجاز مشروط به هر طریق و شیوه‌ای وارد کشور گردد، همین که در داخل کشور مورد خرید و فروش قرار گرفت و در تملک اشخاص درآمد نمی‌توان ادعا نمود که این کالای از طریق قاچاق وارد کشور گردیده است. چنین ادعایی در داخل کشور در مورد کالای مجاز مشروط پذیرفته نیست.

ادعای قاچاق در مورد کالای مجاز مشروط وقتی پذیرفته است که کالا در نقطه صفر